

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی کاربردی علوم اجتماعی
در حکمرانی صنعت برق و انرژی

جمال عبدالله پور
استادیار پژوهشگاه نیرو
غلامرضا حیدری
استادیار پژوهشگاه نیرو

انتشارات پژوهشگاه نیرو

۱۴۰۲

HD ۹۶۸۵

عبداله‌پور، جمال، ۱۳۵۷-

مبانی کاربردی علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی/جمال عبدالله‌پور، غلامرضا حیدری. ویراستار ادبی:
نازنین محمدی‌نام. تهران: پژوهشگاه نیرو، انتشارات، ۱۴۰۲.
۲۰۲ ص.

ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۷۳-۰۷-۶ ؛ ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
کتابنامه

الف. حیدری، غلامرضا، ۱۳۳۴ -

۱. برق‌رسانی -- جنبه‌های اجتماعی -- ایران. ۲. برق نیرو -- مصرف -- جنبه‌های اجتماعی -- ایران.
۳. صنایع برقی -- ایران -- مدیریت. ۴. *Electrification -- Social aspects -- Iran*
۵. *Electric industries -- Electric power consumption -- Social aspects -- Iran -- Management*

رده‌بندی دیویی: ۳۳۳/۷۹۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۲۸۹۹



انتشارات پژوهشگاه نیرو

کلیه حقوق قانونی این اثر متعلق به پژوهشگاه نیرو است.

نشانی: تهران، شهرک غرب، انتهای بلوار شهید دادمان، پژوهشگاه نیرو، کدپستی: ۱۴۶۸۶۱۳۱۱۳

تلفن: ۸۸۰۷۹۴۰۱-۹

نمابر: ۸۸۰۷۸۲۹۶

وبگاه: www.nri.ac.ir

پست الکترونیک انتشارات: publications@nri.ac.ir

پیشگفتار

اصل بنیادی و اساسی در تصمیم‌گیری حرفه‌ای، ارزیابی همزمان جوانب اقتصادی، راهبردی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فنی است. این امر در بخش انرژی، که به‌طور سنتی با پروژه‌های بزرگ‌مقیاس مبتنی بر اثرات قوی و متعارض اجتماعی مرتبط بوده، اهمیت ویژه‌ای دارد. از یک طرف، این پروژه‌ها به‌طور مطلق برای رفاه اجتماعی جمعیت ضروری اما از طرفی دیگر، آن‌ها مکرراً با مسائل زیست‌محیطی در ارتباط بوده و با مخالفت اجتماعی مواجه هستند. نظر به اهمیت این موضوع، اصل توسعه پایدار مقبولیت روزافزونی در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی انرژی پیدا کرده و به نیروی انگیزشی عمده‌ای در این زمینه تبدیل شده است. از این رو برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مبتنی بر توسعه پایدار انرژی (برق) بر اساس زمینه‌ای^۱ که دغدغه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را منعکس کند، ضرورت می‌یابد (فرییرا و همکاران، ۲۰۱۰). یکی از شاخص‌های کیفی سنجش توسعه، میزان توجه به ملاحظات اجتماعی در اقدامات توسعه‌ای است که در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه به‌طور عام و در حوزه صنعت برق و انرژی به‌طور خاص در مقایسه با حوزه‌هایی چون محیط زیست متأخرتر بوده و حتی می‌توان گفت کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در واقع سیاست‌گذاری و مدیریت انرژی به‌عنوان امری فنی و مهندسی در نظر گرفته شده و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن نادیده گرفته شده است. لارید^۲ (۲۰۱۳)، در این خصوص می‌گوید: «تصمیم‌گیری تکنوکراتیک (به کمک خبرگان در صنعت برق یا سیاست‌گذاری انرژی) بدون فرصت مشارکت عمومی در بخش انرژی (برق) سابقه گسترده‌ای در جهان دارد و انتخاب‌های مرتبط با انرژی برای عموم در قالب گزینه‌های ساده‌ای میان انواع سوخت‌ها و فناوری‌ها تصور می‌شود» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷). مسائل و چالش‌های متعددی در ایران در حوزه صنعت برق و انرژی وجود دارد که نشان می‌دهد که رویکردهای رایج در حکمرانی^۳ و مدیریت برق و انرژی، با تأکید بر سازوکارهای تکنوکراتیک و نگاه فنی، به‌تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات نیست و نیاز به استفاده از رویکردهای نو و سازوکارهای متنوع دارد. رویکردهای نو نیاز است با نگاهی اجتماعی و فرهنگی، به‌طور کلی غیرفنی، به مسئله انرژی نگاه کنند. رویکرد اجتماعی و فرهنگی

1 context

2 Laurid

3 governance

ب

یا غیرفنی بر شناخت ذی‌نفعان مختلف، نظام انگیزه‌های آنها، تنوع جغرافیایی، سیر تاریخی و فرهنگی جامعه، اجماع‌سازی از طریق تقویت بستر گفت‌وگو و اجتماعی کردن مسئله انرژی تأکید دارد و متکی به استفاده از سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های مختلف جامعه است. بنابراین از چنین منظری، «ارتقای ظرفیت نظام‌های انرژی در گرو مشارکت همه طرف‌های ذینفع بوده و بهره‌گیری از مفهوم حکمرانی، به خودی خود، اذعان به این موضوع است که قدرت در درون و بیرون از اختیارات و نهادهای رسمی حکومت وجود دارد». بر این اساس «عاملان مدیریت تنها بخش عمومی نیستند بلکه بخش‌های خصوصی و داوطلب نیز در این حوزه وارد می‌شوند» (همان).

تمرکز بر صنعت و تکنولوژی و ابعاد مادی و اقتصادی آن در برنامه‌های توسعه باعث شده تا از یک سو زمینه‌ها و الزامات اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ها و از دگر سو پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این برنامه‌ها مورد غفلت قرار گیرد. تقلیل ناموجه توسعه به اقتصاد و تکنولوژی، در نظام برنامه‌ریزی کشور، باعث شده تا تدوین برنامه‌های توسعه در غیاب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و غفلت از ابعاد نرم اجتماعی و فرهنگی این برنامه‌ها انجام شود. این وضعیت مشکلی فراگیر در کل نظام برنامه‌ریزی کشور است و سیاست‌گذاری و حکمرانی حوزه برق کشور نیز مستثنی از آن نیست. به نظر می‌رسد توفیق برنامه‌های توسعه در جوامع امروزی از یک سو مستلزم رفع موانع اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی فرهنگی جوامع هدف است و این امکان‌پذیر نیست جز از رهگذر استفاده از دانش اجتماعی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه. به هر صورت، توسعه امری جامعه‌محور در نظر گرفته شده، بنابراین شناخت جامعه و استفاده از دستاوردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت ضرورتی آشکار دارد. صنعت برق یکی از بخش‌های مهم زیرساختی کشور است و حکمرانی و مدیریت صنعت برق باید چه توسعه‌آمرانه و یا یک جانبه را در دستور کار خویش قرار داده باشد و چه توسعه دموکراتیک و یا همه‌جانبه را، به هر حال نیازمند استفاده از دانش اجتماعی برای پیشبرد اهداف خویش است. در توسعه‌آمرانه حاکمیت برای باز کردن گره‌ها و موانع اجتماعی نیازمند شناخت جوامع هدف خویش است و در توسعه دموکراتیک، جلب مشارکت مردم و جوامع محلی در تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت مستلزم شناخت ویژگی‌ها و کلیت فرهنگ آنها است. هم‌چنین باید گفت تعدد، تنوع و گستردگی جامعه مشترکین و ذی‌نفعان و به تبع آن مطالبات، نیازها و انتظارات متفاوت آنها حسب زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی

متفاوتشان و از سویی دیگر مسئولیت اجتماعی این صنعت در قبال جامعه و تلاش برای استقرار مدیریت توأمان عرضه تقاضا/مصرف و رفع و بهبود ناترازی؛ علوم اجتماعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن را در عرصه‌های حکمرانی و مدیریت که از چنین ظرفیتی برخوردار هستند، در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است.

علوم اجتماعی به معنای وسیع در چند دهه گذشته به نحوی بسط یافته که از ظرفیت‌های لازم برای ورود به حوزه تحلیلی حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی همچون پرداختن به مسئله پایداری تولید و مصرف و رفع ناترازی در این حوزه برخوردار است. رویکرد برآمده از دستاوردهای علوم بیان شده می‌پذیرد که صنعت برق و انرژی با وجود اینکه واقعیت‌های فیزیکی هستند اما تولید و توزیع یا عرضه و تقاضای آن عمیقاً با فرایندهای انسانی دارای ابعاد تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، رفتاری، فرهنگی و سیاسی مرتبط است. به نوعی باید گفت رویکرد نوین، نگاه برآمده از علوم اجتماعی را به علوم فنی و مهندسی می‌افزاید (وزارت نیرو، ۱۳۹۷). در واقع این علوم از این ظرفیت برخوردار هستند که در بهبود، رفع، اصلاح و یا پیشگیری از برخی مسائل پیش روی صنعت برق و انرژی که صرفاً عرصه کار فنی و علوم طبیعی نبوده؛ راهگشا باشند. با چنین رویکردی، نقش‌آفرینی مردم در زنجیره تولید، انتقال و توزیع/مصرف و ارزیابی پیامدهای آن تبدیل به یک دغدغه و مطالبه اجتماعی می‌شود. در هر صورت برق جزء لاینفک زندگی مردم شده که هر گونه اقدامی بدون توجه به مردم در عرصه بهبود این صنعت و رویارویی با چالش‌های آن از یک طرف و اتخاذ رویکرد راهبردی مبتنی بر نگاه اجتماعی در مدیریت توسعه از طرفی دیگر، چندان قرین موفقیت نخواهد بود.

با این اوصاف، تحقق ایده بنیادی توسعه نظام‌های انرژی مبتنی بر ویژگی فنی-اجتماعی جز از رهگذر کاربست علوم اجتماعی ممکن نیست. کاربست علوم اجتماعی اقدامی است که نیازمند بسترسازی پذیرش آن است. در واقع اگر پیش‌نیاز توسعه جامعه‌محور صنعت برق و انرژی، بهره‌گیری از علوم اجتماعی است این اقدام پیش از هر چیز نیاز دارد تا بستر پذیرش آن در عرصه حکمرانی فراهم شود. هر چند باید گفت ورود علوم اجتماعی و رویکرد اجتماعی در وزارت نیرو و زیرمجموعه آن به‌عنوان متولی برق و انرژی را می‌توان یک اقدام و یا جریان نوپا تلقی کرد اما تا رسیدن به هدف اصلی راه طولانی و ناهمواری را در پیش دارد. از این رو اهمیت بسط و توسعه کاربست علوم اجتماعی و پژوهش‌های معدودی که در این زمینه انجام شده است، انجام مطالعات بیشتری را ضروری می‌سازد. اگرچه مطالعات علوم اجتماعی انرژی

در کشورهای توسعه‌یافته را می‌توان گفت هم در عرصه آموزش و هم پژوهش و نیز مداخلات سیاستی دارای تجربه موفق بوده اما این موضوع در ایران چندان جایگاه مشخصی ندارد. در این راستا کتاب پیش رو تلاشی است برای گفتمان‌سازی پذیرش علوم اجتماعی به‌منظور کاربردی آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی که تشریح و تبیین ادبیات این حوزه دانشی را مدنظر قرار داده است. کتاب مبانی کاربردی علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی، بخشی از نتایج پژوهشی است که با عنوان «مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای کاربردی علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی» در گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه نیرو انجام شده است. در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از جناب آقای دکتر حسین ایمانی جاجرمی دانشیار دانشگاه تهران به عنوان ناظر و همچنین جناب آقایان دکتر بهمن سبحانی و دکتر علیرضا کرمانی به عنوان همکار پژوهشگر در بخش‌هایی از پروژه پژوهشی مذکور، تقدیر و سپاسگزاری به عمل آوریم.

بر اساس اهدافی که یاد شد، کتاب در پنج فصل سازماندهی شده است. در فصل اول چپستی علوم اجتماعی، شامل دامنه، رشته‌ها، موضوعات و روش‌های پژوهش در آن به‌طور خلاصه مرور می‌شود. فصل دوم به تعریف و توضیح حکمرانی و ابعاد و مؤلفه‌های آن می‌پردازد. در این دو فصل با معرفی حوزه علوم اجتماعی به لحاظ ساختار و ماهیت و نیز عرصه حکمرانی از منظر اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، کارکردها و پیامدهای آن؛ تلاش بر فراهم‌سازی بستری است که در فصل بعدی، پیوند این دو را در صنعت برق و انرژی برقرار کنیم. از این رو در فصل سوم، با عنوان نسبت علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی، نخست با اتکا به دیدگاه‌های نظری و یافته‌های پژوهشی، اهمیت و جایگاه رویکرد اجتماعی و نیاز به مطالعات علوم اجتماعی را در وجوه سه‌گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) با تأکید بر حوزه برق و انرژی، تبیین کرده و سپس کارکردهای علوم اجتماعی در عرصه‌های حکمرانی صنعت برق و انرژی، بر مبنای شواهد و مصادیق پژوهشی و تجارب اجرایی تشریح و واکاوی خواهد شد. در واقع در این فصل همه تلاش ما بر این است که نشان دهیم دستاوردهای علوم اجتماعی، ظرفیت بالقوه‌ای برای نقش‌آفرینی در این عرصه از حکمرانی است. منظور از ظرفیت بالقوه بیان این واقعیت است که هنوز نتوانسته‌ایم به‌گونه‌ای که لازم باشد این ظرفیت‌ها را در بسترسازی برای تحقق حکمرانی خوب صنعت برق و انرژی به فعلیت درآوریم اگرچه اشاره شد اقداماتی صورت گرفته اما در حد یک جریان نوپا است که با وضعیت مطلوب هنوز فاصله

زیادی دارد. در فصل چهارم به تحلیل عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربری آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی و الگوهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی بر مبنای تجارب پژوهشی و دیدگاه‌های نظری مرتبط خواهیم پرداخت. در این فصل، بر مبنای این استدلال پیش می‌رویم که دستاوردهای این حوزه دانشی، با موانع زیادی برای پذیرش و نیز کاربری خود در عرصه حکمرانی صنعت برق و انرژی مواجه هستند. هر چند باید بپذیریم که شرایط و عواملی نیز وجود دارند که می‌توان از آنها به‌عنوان اهرم فایق آمدن بر موانع استفاده کرد. بنابراین در بخش بعدی این فصل، الگوهایی تشریح خواهد شد که می‌توان با استفاده از آنها برای پذیرش علوم اجتماعی و کاربری آن بسترسازی کرد. به عبارتی دیگر این الگوها در رفع و اصلاح موانع و ارتقاء و بهبود شرایط تسهیلگر، یاری‌رسان خواهند بود. در نتیجه آنچه در این فصل دنبال می‌شود فراهم‌سازی شرایطی است که امکان دستیابی به پذیرش علوم اجتماعی و کاربری دستاوردهای آن را بهبود بخشد. اساساً ورود دانشی نوین در عرصه فنی صنعت برق و انرژی که در پارادایم دیگری قرار می‌گیرد، برای اینکه جا بیفتد، نیاز به تلاش‌های مستمری دارد و ضرورت بسترسازی مبتنی بر توسعه عناصر گفتگویی و تبدیل آن به جریان اصلی به شدت احساس می‌شود. با این اوصاف باید گفت که ایجاد باور عمومی نسبت به علوم اجتماعی و کاربری آن، نیازمند طی فرایندی تدریجی با اتخاذ چارچوب‌های علمی متقن است. فصل پنجم، این موضوع را برجسته کرده که روش‌های کاربری علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی را نباید مشابه با روش‌های علوم فنی دانست. علوم اجتماعی به‌مثابه دانشی است که مبتنی بر منطق سازه‌ای نیست. بنابراین سازوکارهای کاربری آن را باید شناخت تا بتوان از ظرفیت‌های آن بهره‌برداری کرد. در این راستا در این فصل تلاش شده تا الگوهای نظری و تجربی کاربری دانش و شیوه‌های سنجش و ارزیابی آن با تأکید بر علوم اجتماعی مبتنی بر مصادیقی از صنعت برق و انرژی معرفی شود. سرانجام، در بخش نتیجه‌گیری کتاب به جمع‌بندی مباحث پیشین پرداخته‌ایم. کتاب خالی از نقص و کاستی نبوده که امیدواریم علاقمندان با ارائه نقطه‌نظرات و انتقادات خود بر ما منت بگذارند که بدون تردید بر غنای مباحث آن خواهد افزود و زمینه ترویج بیشتر این عرصه دانشی را فراهم خواهد کرد.

جمال عبدالله‌پور^۱ و غلامرضا حیدری

^۱ Email: jabdollahpour@nri.ac.ir

فهرست مطالب

فصل اول: چیستی علوم اجتماعی.....	۱۰
مقدمه.....	۱۰
۱-۱. دامنه علوم اجتماعی.....	۱۰
۲-۱. موضوع علوم اجتماعی.....	۱۳
۳-۱. روش‌های علوم اجتماعی.....	۱۹
جمع‌بندی.....	۲۳
فصل دوم: ابعاد و ماهیت حکمرانی.....	۲۴
مقدمه.....	۲۴
۱-۲. مفهوم حکمرانی.....	۲۴
۲-۲. مؤلفه‌های حکمرانی.....	۲۶
۳-۲. اهداف، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، کارکردها و پیامدهای حکمرانی.....	۲۹
جمع‌بندی.....	۳۵
فصل سوم: نسبت علوم اجتماعی و حکمرانی صنعت برق و انرژی.....	۳۶
مقدمه.....	۳۶
۱-۳. ایده گسترش توسعه پایدار و ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای در برق و انرژی با تأکید بر مطالعات علوم اجتماعی انرژی.....	۳۶
۲-۳. کارکردهای علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی.....	۴۵
جمع‌بندی.....	۱۰۳
فصل چهارم: الزامات کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی	
.....	۱۰۸
مقدمه.....	۱۰۸
۱-۴. عوامل امکان و امتناع پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی.....	۱۰۸
۲-۴. نحوه بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی صنعت برق و انرژی.....	۱۲۴
جمع‌بندی.....	۱۴۳
فصل پنجم: نحوه کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی صنعت برق و انرژی ...	۱۵۲

۱۵۲.....	مقدمه.....
۱۵۶.....	۱-۵. مدل‌های مبتنی بر ارتباط پژوهشگر/کاربر.....
۱۶۳.....	۲-۵. مدل‌های مبتنی بر ماهیت کاربست دانش.....
۱۶۷.....	۳-۵. مدل‌های مبتنی بر فرایند کاربست دانش.....
۱۷۱.....	جمع‌بندی.....
۱۷۸.....	جمع‌بندی نهایی و نتیجه‌گیری.....
۱۸۲.....	منابع و مأخذ.....

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۱: روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی و نمونه‌های عملی آن ۲۲
- جدول ۱-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مؤثر..... ۳۱
- جدول ۲-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی عادلانه..... ۳۲
- جدول ۳-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی پاسخگو..... ۳۳
- جدول ۴-۲: هدف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مستحکم..... ۳۴
- جدول ۱-۳: ابعاد و مؤلفه‌های زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مورد ملاحظه در حکمرانی برق و انرژی..... ۸۵
- جدول ۲-۳: ابعاد و مؤلفه‌های ایفاء مسئولیت اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی ۹۰
- جدول ۳-۳: ابعاد و مؤلفه‌های متقاعدسازی مردم در حکمرانی برق و انرژی ۹۶
- جدول ۴-۳: ابعاد و مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی در حکمرانی برق و انرژی..... ۹۹
- جدول ۵-۳: ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت عمومی در حکمرانی برق و انرژی ۱۰۳
- جدول ۶-۳: نقش پژوهش‌های علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی ۱۰۵
- جدول ۱-۴: عوامل امکان و امتناع مطالعات میان‌رشته‌ای (با تأکید بر ادغام علوم اجتماعی در صنعت برق و انرژی) بر اساس نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی ۱۴۴
- جدول ۲-۴: ماتریس تدوین سازوکارهای بسترسازی پذیرش علوم اجتماعی و کاربست آن در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی..... ۱۴۹
- جدول ۱-۵: مراحل کاربست دانش ۱۶۹